

نقش مادر در حل اختلافات فرزندان خردسال

فاطمه زمانی^۱

چکیده

خانواده نخستین بستر اجتماعی سازی است و مادر به دلیل ظرفیت های زیستی، روانی و عاطفی نقشی اساسی در شکل گیری شخصیت کودک دارد. این پژوهش کیفی و توصیفی به بررسی نقش مادر در مدیریت تعارضات فرزندان خردسال می پردازد. نتایج نشان می دهد مادر با ایجاد دلبستگی ایمن، پاسخ گویی به نیازهای عاطفی و ایفای نقش الگوی رفتاری، اعتماد به نفس و توان حل مسئله را در کودک تقویت می کند. همچنین با محبت، عدالت و تشویق به گفت و گو، اختلافات را به فرصتی برای آموزش مهارت های اجتماعی بدل می سازد. یافته ها بر اهمیت صبوری، محبت و نگرش تربیتی مادر و پرهیز از روش های اقتدارگرایانه تأکید دارند. هم داده های روان شناختی معاصر و هم منابع دینی، مادر را محور امنیت روانی و تعادل هیجانی کودک معرفی می کنند. این نتایج می تواند راهنمای سیاست گذاری های فرهنگی و آموزشی در تحکیم خانواده باشد.

کلیدواژه ها: خانواده، مادر، تربیت فرزند، حل اختلاف، فرزندان خردسال.

^۱ - طلبه سطح دو حوزه علمیه خاوران. Namira.zamani99@gmail.com

مقدمه

خانواده، هسته نخستین جامعه و از عوامل اصلی انتقال فرهنگ، اندیشه، اخلاق، سنت‌ها و عواطف از نسلی به نسل دیگر است. در میان اعضای خانواده بیشترین سهم تأثیرگذاری بر فرزند را مادر دارد؛ به ویژه در خانواده‌هایی که شیوه‌ای زیست‌طبیعی، و مطابق با الگوها و سنت‌اسلامی دارند؛ که براساس آن شیر مادر بهترین غذای کودک و آغوش مادر بهترین جایگاه برای تربیت و پرورش کودکان شناخته می‌شود. براین اساس، بارزترین نقشی که در کلام و حیانی قرآن، برای زنان ترسیم و مورد ستایش قرار گرفته شده نقش مادری و عهده‌داری تربیت فرزندان از سوی آنان است. زن، به حکم طبیعت و دستگاه آفرینش در سه نقش طبیعی، ابراز وجود می‌کند: نقش دختري، نقش همسری و نقش مادری. از میان این هر سه نقش، آن که جایگاه و منزلت ویژه و شایسته تعظیم و تکریم به زن می‌دهد، منزلت و جایگاه مادری است. بنابراین، نقش مادر در تربیت فرزند، نقشی بنیادین و غیرقابل جایگزین است که تأثیر آن از نخستین سال‌های زندگی کودک آغاز می‌شود. نقش مادر در تربیت کودک فراتر از مراقبت جسمی است و شامل پرورش عاطفی، اخلاقی و ذهنی او نیز می‌شود. در حقیقت میتوان گفت، نقش مادر در تربیت فرزندان، سنگ بنای رشد سالم و موفقیت فردی و اجتماعی آنان در آینده را تشکیل می‌دهد.

در مورد جایگاه مادر در تربیت فرزند، اجماع جهانی وجود دارد. علیرغم تغییرات گسترده در سبک زندگی، اشتغال و نقش‌های اجتماعی جدید برای زنان، همچنان مادران اصلی‌ترین محور تربیت فرزندان به حساب می‌آیند. این نقش نه از روی اجبار یا کلیشه‌های جنسیتی، بلکه به دلیل ظرفیت‌های زیستی، عاطفی و روان‌شناختی است که مادران، اغلب بیش از هرکس دیگری، در مسیر رشد و شکل‌گیری شخصیت کودک، این نقش را ایفا می‌کنند. البته نقش پدر در تربیت کودک نیز مکمل این فرآیند است و حضور فعال و حمایتگر او می‌تواند تعادل عاطفی و تربیتی کودک را تقویت کند.

هدف این پژوهش آن است که نشان دهد مادران، با تکیه بر ظرفیت‌های زیستی، عاطفی و روان‌شناختی خود، بیشترین تأثیر را در شکل‌گیری شخصیت و آینده فرزندان دارند و با این ظرفیت خدا دادی، می‌توانند اختلافات بین فرزندان خردسال را حل و فصل کنند. در این راستا، هم به منابع و حیانی مانند قرآن و سنت پرداخته می‌شود و هم به داده‌های علمی معاصر، تا ضمن تبیین اهمیت نقش مادری، اثر تغییرات اجتماعی و سبک زندگی بر کیفیت این نقش نیز روشن شود. همچنین تعامل نقش مادر و پدر در یک الگوی تربیتی متعادل مورد بررسی قرار می‌گیرد تا نتایج پژوهش بتواند به عنوان مبنایی برای سیاست‌گذاری‌های فرهنگی، آموزشی و اجتماعی در حوزه خانواده به کار رود.

آن چه به عنوان سوال اصلی در این مقاله مطرح است، این است که نقش مادر در حل اختلافات فرزندان خردسال چگونه می باشد؟ به عبارت دیگر، جایگاه مادر در نظام خانواده و فرآیند تربیتی فرزندان با رویکرد حل اختلافات بین آن ها باید تبیین گردیده تا آثار حضور این شخصیت مبنی بر حل اختلافات، مشخص شود. این سوال، ممکن است با سوالات فرعی دیگری مانند «مادر در خانواده چه جایگاهی دارد؟» و «تاثیرپذیری فرزندان از مادران در روش های تربیتی به چه میزان است؟» روبرو باشد.

این مقاله از حیث روش، کتابخانه ای و از حیث هدف، بنیادی به حساب می آید. شایان ذکر است، در این زمینه برخی آثار یافت گردیده که در نوع خود قابل تقدیر می باشد اما از جهاتی دیگر دارای نقصان بوده و نیاز به تنمّه دارد که ذیلاً برخی موارد بیان می گردد.

* مژگان سعیدی و همکاران در سال 1403 در مقاله «بررسی راهکارهایی برای رسیدن به هدف خلقت در تربیت کودکان» بر اهمیت تربیت کودکان و نوجوانان بر اساس هدف خلقت تأکید دارد و بیان می کند که اصول اعتقادی سالم، زیربنای رفتار و اعمال درست انسان است. نوجوانان با روحی پاک، پرسش هایی درباره فلسفه خلقت، زندگی و مرگ مطرح می کنند و نیازمند پاسخ های روشن و مطمئن هستند. مطالعه حاضر با رویکرد کتابخانه ای به بررسی منابع موجود پرداخته و راهکارهایی برای تبیین هدف خلقت در تربیت کودکان ارائه می دهد.

* فرزانه زارع در سال 1403 در مقاله «تربیت فرزند از نگاه قرآن و روانشناسی» با مقایسه آموزه های قرآن کریم و نظریات روانشناسی مدرن، اصول و مبانی تربیت فرزند را بررسی می کند. قرآن، تربیت را مسئولیتی بزرگ و مقدس دانسته و بر پرورش اخلاقی، دینی و معنوی فرزندان تأکید دارد. در مقابل، روانشناسی بر ابعاد عاطفی، اجتماعی و شناختی رشد کودک و ضرورت ایجاد محیطی امن و محبت آمیز تأکید می کند. نتیجه پژوهش نشان می دهد که هر دو دیدگاه بر اهمیت محبت، توجه و ارتباط مؤثر در تربیت کودک هم نظر هستند و در کنار یکدیگر می توانند راهکارهای جامع تری برای تربیت نسلی آگاه و متعهد ارائه دهند.

* ایوب صلواتی در مرداد 1402 در مقاله «بررسی شیوه های فرزندپروری در مقطع کودکی و نوجوانی از دیدگاه اسلام» به بررسی شیوه های فرزندپروری در کودکی و نوجوانی از دیدگاه اسلام می پردازد. بر اساس یافته ها، اسلام با ارائه دستورالعمل های جامع، نیازهای تربیتی فرزند را در هر مرحله تبیین کرده و هدف نهایی تربیت را رسیدن به کرامت، قرب الهی و متخلق شدن به صفات الهی معرفی می کند.

پژوهش های پیشین هر یک به جنبه ای از تربیت فرزند پرداخته اند؛ برای نمونه، هدف خلقت در تربیت کودکان، شیوه های فرزندپروری از منظر اسلام و نظریات روانشناسی در حوزه تربیت فرزند از جمله آن ها است. هرچند این آثار ارزشمندند، اما همگی در تبیین نقش فردی اعضای خانواده، به ویژه نقش مادر در فرایند تربیتی، به ویژه در مدیریت و حل اختلافات میان فرزندان خردسال، کمتر توجه کرده اند.

نوآوری پژوهش حاضر در تمرکز بر نقش بنیادین مادر در تربیت فرزند است؛ نقشی که فراتر از پرورش جسمی و عاطفی، به حوزه‌ی حل تعارضات میان فرزندان خردسال نیز گسترش می‌یابد. در حالی که پژوهش‌های پیشین عمدتاً به مباحث کلی تربیت پرداخته‌اند. این مطالعه با طرح پرسش محوری «نقش مادر در حل اختلافات فرزندان خردسال چیست؟» به بررسی دقیق‌تر این جایگاه می‌پردازد.

مفهوم شناسی

اختلاف

ریشه این کلمه از (خ ل ف) می باشد. راغب درباره آن می گوید: «اختلاف و مخالفت به این معناست که هر یک از دو طرف در گفتار یا رفتار، راهی غیر از راه دیگری را در پیش بگیرد..... و از آنجا که اختلاف بین مردم در گفتار، ممکن است به نزاع بینجامد، این واژه (اختلاف) برای منازعه و مجادله نیز به کار رفته است.» (راغب، 1412، 294). واژه اختلاف در مفاهیم تفاوت، نابرابری، ناسازگاری و منازعه هم به کار رفته است. اختلاف در اصطلاح رایج عرفی عبارت است از تضاد و تفاوت در ظاهر یا باطن، در تفکر و عقاید، که دو یا چند نفر یا دو گروه مختلف با یکدیگر بر سر مسائل اجتماعی، اعتقادی، فرهنگی و سیاسی ناسازگاری و اختلاف داشته باشند. (نصیری، 1382، 333-345)

مادر

واژه‌ی «مادر» در لغت به معنای «مأم»، «والده» و «زن فرزنددار» به کار رفته است. در متون و فرهنگ‌های مختلف، این واژه با الفاظی همچون «مادر»، «مار» و «ماما» نیز اطلاق شده است. (قریب، 1360، 1002؛ عمید، 1353، 914). در اصطلاح، «مادر» به فردی اطلاق می‌شود که مسئولیت پرورش و تربیت فرزندان را از دوران بارداری تا پس از آن بر عهده دارد. ایفای این نقش، برخلاف بسیاری از مسئولیت‌های اجتماعی، عاری از هرگونه انتظار مادی یا معنوی است. تلاش‌های بی‌وقفه مادر در مراقبت‌های جسمی و عاطفی از کودک، از شب‌زنده‌داری‌ها گرفته تا فداکاری‌های بی‌چشمداشت، ناشی از غریزه‌ای ایثارگرانه است که صرفاً معطوف به سلامت و رشد فرزند می‌باشد. حتی در بسیاری موارد، مادر حاضر است جان خود را فدای فرزند سازد، بی‌آنکه در پی بازگشت یا منفعتی برای خویش باشد.

فرزند

معنای لغوی فرزند، پسر یا دختر هر فرد نسبت به والدین اوست؛ به عبارت دیگر، به هر شخصی که از پدر و مادر متولد شده باشد، فرزند گفته می‌شود. همچنین، واژه فرزند می‌تواند به معنای نسل و اولاد نیز به کار رود. (دهخدا، 1390، 2: 2103؛ عمید، 1364، 2: 1526). از منظر عام، فرزند به پسر، دختر یا به‌طور کلی هر موجودی که از فردی به وجود آمده باشد اطلاق می‌شود، اما در علوم زیست‌شناسی، این اصطلاح به زاده‌ها یا جوانه‌های زنده یک موجود زنده نیز اشاره دارد. همچنین در ادبیات و فرهنگ فارسی، این واژه به صورت استعاری برای بیان پدیده‌ها یا آفریده‌های منتسب به یک منشأ خاص نیز به کار می‌رود؛ برای نمونه، «فرزند آب» برای موجودات آبی یا «فرزند خورشید» برای جواهرات معدنی و پدیده‌های وابسته به خورشید به کار برده شده است.

1- چگونگی نقش مادر در اختلافات فرزندان

تردیدی نیست که تربیت فرزند، فرآیندی عمیق و چندلایه است که از نخستین لحظه‌های تولد آغاز شده و تا سال‌ها ادامه دارد. در این مسیر، مادر، بنیان‌گذار دنیای عاطفی، رفتاری و ذهنی فرزند است. مادر نقش یک هدایتگر را در خانواده اجرا می‌کند. بنابراین در مواقع بروز مشکل و وجود چالش بین فرزندان نیز، اوست که هدایتگر سکان خانواده است. رابطه‌ی عاطفی مادر و کودک، بنیان‌گذار اعتماد بنیادین در روان کودک است و می‌تواند منجر به شکل‌گیری سبک دلبستگی ایمن در کودک شود؛ این دلبستگی ایمن، نه‌تنها به کودک احساس امنیت و ارزشمندی می‌دهد، بلکه موجب اعتماد و پذیرش قضاوت مادر در لحظات بروز اختلاف بین فرزندان خردسال می‌گردد و همچنین پایه‌گذار توانایی فرزندان برای شکل‌دهی به روابط سالم در آینده خواهد بود. از این نکته نباید غفلت ورزید که زندگی پر از تغییر و چالش است و مادری که در رفتار روزمره خود انعطاف‌پذیری، و پذیرش شرایط جدید را آموزش می‌دهد، فرزندی پرورش داده که به‌ترمی‌تواند در آینده با مسائل مواجه شود.

در آغاز حیات، روح و شخصیت انسان همچون ماده‌ای انعطاف‌پذیر و شکل‌پذیر است که قابلیت پذیرش هر قالب فکری و رفتاری را دارد. با گذر زمان و افزایش سن، این انعطاف‌پذیری به تدریج کاهش یافته و الگوهای رفتاری و هیجانی فرد به سوی ثبات و تثبیت پیش می‌روند. از همین رو، اندیشمندان تعلیم و تربیت بیشترین تأکید را بر دوره کودکی، به‌ویژه سال‌های پیش‌دبستانی، داشته‌اند؛ چراکه در این مرحله، قابلیت یادگیری و تربیت‌پذیری کودک به مراتب بیش از دوران دبستان، دبیرستان و دانشگاه است. با پیشرفت رشد جسمانی و روانی، تغییر در عادات و اصلاح ساختارهای شخصیتی دشوارتر می‌شود و گاه نیازمند تلاش‌های تربیتی پیچیده و طولانی‌مدت است. (مطهری، 1368، 78)

سرزنش می‌نمایند، کودک احساس طردشدگی و بی‌عدالتی می‌کند. این احساسات منفی نه تنها به حل مشکل منجر نمی‌شود، بلکه روابط عاطفی میان خواهر و برادر را نیز خدشه‌دار می‌سازد. به جای مقایسه، والدین می‌توانند با شناسایی ویژگی‌ها و توانایی‌های منحصر به فرد هر کودک، راهکارهایی متناسب با شخصیت او به کار گیرند. برخورد عادلانه، گوش دادن به هر دو طرف و کمک به یافتن راه‌حل مشترک، شیوه‌هایی مؤثر برای کاهش تعارض و آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان است. در این رویکرد، کودک می‌آموزد که اختلاف نظر امری طبیعی است و می‌توان آن را بدون تحقیر یا برتری‌طلبی حل و فصل کرد.

3-4- بحث و جدل با فرزندان

یکی از اشتباهات رایج والدین در تربیت فرزندان و مدیریت اختلافات آنان، ورود به بحث و جدل‌های مکرر و بی‌ثمر است. تداوم چنین رفتاری، فضای خانواده را متشنج کرده و احساس امنیت روانی کودکان را از بین می‌برد. مشاجره‌های مداوم، الگوی منفی برای فرزندان ایجاد می‌کند و آنان می‌آموزند که اختلاف را با پرخاش و لجابت حل کنند. این امر زمینه‌ساز بروز اضطراب، ترس و حتی پرخاشگری در خردسالان خواهد شد. از سوی دیگر، مشاهده‌ی جدل‌های والدین، روابط عاطفی میان اعضای خانواده را تضعیف کرده و فاصله عاطفی میان کودک و والدین را افزایش می‌دهد. شواهد پژوهشی نشان می‌دهد که وقوع مکرر اختلافات بین والدین یا سرپرستان، شدت بالای ابراز آن، مرتبط بودن موضوع اختلاف با مسائل کودک و حل‌نشده باقی ماندن این تعارضات، کودکان را در تمامی سنین _ از بدو تولد تا نوجوانی و بزرگسالی _ در معرض خطر بالای پیامدهای نامطلوب سلامت روان قرار می‌دهد. مطالعات تجربی، طولی و مداخله‌ای که اثرات اختلافات والدینی را بررسی کرده‌اند، نشان داده‌اند که این اختلافات می‌توانند با مجموعه‌ای از پیامدهای منفی همراه باشند، از جمله: اختلالات خواب اولیه، مشکلات بیرونی‌سازی (مانند پرخاشگری و رفتارهای ضد اجتماعی)، مشکلات درونی‌سازی (مانند اضطراب و افسردگی)، دشواری‌های تحصیلی، اختلالات اجتماعی و بین‌فردی، مشکلات سلامت جسمانی و همچنین کاهش کیفیت روابط صمیمی و شادابی روابط بین‌فردی در آینده. (Gordon T. Harold, 2018). در چنین شرایطی، نقش مادر بسیار حیاتی است؛ چراکه می‌تواند با مدیریت هیجان، پرهیز از ورود به مشاجره و جایگزین کردن گفت‌وگوی آرام و همدلانه، الگویی مثبت ارائه دهد. بدین ترتیب، کودکان به جای بازتولید رفتارهای پرخاشگرانه، راهکارهای مسالمت‌آمیز و همکاری‌جویانه را تجربه کرده و در آینده روابط اجتماعی سالم‌تری خواهند داشت.

3-5- نادیده گرفتن احساسات فرزندان

یکی از خطاهای رایج مادران در مواجهه با تعارض‌های میان فرزندان خردسال، بی‌توجهی به احساسات آنان است. هنگامی که مادر در جریان یک درگیری خانوادگی، به جای در نظر گرفتن احساسات و روحیات طرفین، سریعاً به قضاوت یا صدور حکم می‌پردازد، پیام ناخودآگاهی به کودک منتقل می‌شود مبنی بر اینکه هیجانات و تجارب او کم‌اهمیت‌اند. این رویکرد باعث می‌شود کودک به تدریج از بیان هیجانات واقعی خود پرهیز کند و احساس بی‌ارزشی درونی را تجربه نماید. از منظر روان‌شناسی رشد، نادیده گرفتن احساسات، مانع پرورش مهارت‌های هیجانی، همدلی و خودابرازی در کودک می‌شود و او را به سمت سرکوب یا انکار هیجانات سوق می‌دهد. در چنین فضایی، اختلافات میان خواهر و برادر نیز، نه بر اساس درک متقابل، بلکه با الگوگیری از قضاوت‌های عجولانه والدین، مدیریت خواهد شد. مادر به‌عنوان محور اصلی آرامش خانواده، باید با پرهیز از قضاوت شتاب‌زده، فضایی امن برای ابراز احساسات کودکان ایجاد کند. (Taiane lins, 2023)

آن چه به عنوان حسن ختام می‌توان بیان نمود چنین است که از دیدگاه اسلام نقش مادر در تربیت دینی فرزند فقط مربوط به نگهداری نیست، بلکه باید با اخلاق نیکو، صداقت، دیانت و علم‌آموزی، فرزند دین‌دار، مسئولیت‌پذیر و مفید برای جامعه تربیت کرد. از منظر اسلام، مادر ستون اصلی رشد عاطفی، اخلاقی و شخصیتی فرزند است و با ایجاد امنیت روانی، محبت، نظم و آموزش ارزش‌ها، مسیر زندگی او را شکل می‌دهد و هر رفتار، گفتار و تصمیم مادر، الگوی مستقیم برای کودک است و به شکل‌گیری عادت‌ها، طرز فکر و شخصیت کودک کمک می‌کند. امام علی (علیه السلام) در خصوص جایگاه و نقش والای زن در خانواده می‌فرماید: «فَإِنَّ الْمَرْأَةَ رِيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ: زن گل است و خدمتکار نیست» (کلینی، 1363، 5: 510). این روایت اشاره به این موضوع دارد که همانگونه که گل، موجب طراوت و زیبایی و خوشبویی منزل می‌گردد، زن نیز در خانه موجب طراوت و زیبایی و دل‌انگیز شدن محیط خانواده خواهد شد و اوست که می‌تواند برای اهل خانه و مخصوصاً فرزندان، به عنوان مادر، موجب آرامش و اطمینان و آسودگی خاطر شود.

مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدّ ظلّه العالی) در این خصوص می‌فرمایند: من با توجه به مجموعه‌ی معارفی که در آیات و روایات و مانند اینها هست، در ذهن خودم این جور تصویر میکنم که زن، هوایی است که فضای خانواده را انباشته؛ یعنی همچنان که شما در فضا تنفس میکنید، اگر هوا نباشد، تنفس ممکن نیست، زن این جوری است؛ زن خانواده به منزله‌ی تنفس در این فضا است. اینکه در روایت هست: الْمَرْأَةُ رِيْحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ، مال اینجا است، مال خانواده است. «ریحانه» یعنی گل، یعنی عطر، بوی خوش؛ همان هوایی که فضا را پُر میکند. «قهرمان» در زبان عربی — در «لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ» — با قهرمان در زبان فارسی

فرق دارد. «قهرمان» یعنی کارگزار، کارگر یا مثلاً فرض کنید سرکارگر؛ زن یک «قهرمانه» نیست. (سخنرانی 1401/10/14)

نتیجه گیری

نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که مادر در فرآیند مدیریت اختلافات میان فرزندان خردسال نقشی محوری، چندبعدی و بنیادین ایفا می‌کند. جایگاه مادر فراتر از مراقبت جسمانی بوده و به‌عنوان الگوی زندگی و محور آرامش خانواده، زیربنای شکل‌گیری شخصیت فردی و اجتماعی کودک را فراهم می‌سازد. ایجاد دلبستگی ایمن و پاسخ‌گویی به نیازهای عاطفی و روانی توسط مادر، موجب تقویت اعتمادبه‌نفس، آرامش و ثبات هیجانی کودک شده و او را در مواجهه با تعارضات به سمت واکنش‌های متعادل‌تر سوق می‌دهد. همچنین ایفای نقش میانجی‌گری مادر، زمینه گفت‌وگو، شنیدن متقابل و یافتن راه‌حل‌های مشترک را ایجاد کرده و در بلندمدت به نهادینه‌شدن مهارت‌های حل مسئله، مدیریت هیجان و احترام به حقوق دیگران منجر می‌شود. یافته‌ها نشان می‌دهد که رفتار عملی مادر — از جمله حفظ آرامش، پرهیز از قضاوت شتاب‌زده، دوری از تبعیض و استفاده از زبان محبت — الگویی مؤثر برای یادگیری اجتماعی کودکان است و بیش از توصیه‌های کلامی بر آنان اثر می‌گذارد. بر این اساس، مدیریت اختلافات میان فرزندان بیش از آنکه به روش‌های تنبیهی یا اقتدارگرایانه وابسته باشد، بر صبوری، محبت، ظرفیت عاطفی و مهارت ارتباطی مادر استوار است. خطاهای تربیتی مانند تنبیه بدنی، مقایسه یا نادیده‌گرفتن احساسات، نه تنها به کاهش تعارض منجر نمی‌شوند بلکه آسیب‌های عمیقی بر روابط خانوادگی برجای می‌گذارند. در مقابل، شواهد روان‌شناختی، تربیتی و آموزه‌های دینی هم‌صدا بر اهمیت محبت، عدالت، گفت‌وگو، الگو بودن و حفظ آرامش تأکید دارند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مادر، به‌مثابه ستون عاطفی و تربیتی خانواده، نقشی اساسی در مدیریت تعارضات و پرورش نسلی مسئولیت‌پذیر، متعادل و اجتماعی دارد و همراهی این نقش با دانش تربیتی، صبر عاطفی و بینش دینی، تضمین‌کننده سلامت روانی کودکان و زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه‌ای سالم‌تر و اخلاقی‌تر خواهد بود.

- 1- ابن بابویه، محمد بن علی (1404). من لایحضره الفقیه. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه. دفتر انتشارات اسلامی.
- 2- بهمنی، محمد کریم؛ جعفری، رضا؛ حاجی پور، مسیح؛ حبیب زاده، وحید (1401). تاثیر آگاهی والدین بر تربیت فرزندان. دومین کنفرانس ملی مدیریت، روانشناسی و علوم رفتاری.
- 3- حر عاملی، محمد بن حسن (1416). تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).
- 4- حسینی زاده، علی (1385). تربیت فرزند. قم: انتشارات زیتون.
- 5- خامنه ای، سید علی، سخنرانی در دیدار اقشار مختلف بانوان (1401/10/14).
- 6- دهخدا، علی اکبر (1390). فرهنگ متوسط دهخدا. تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ.
- 7- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412). مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیه.
- 8- ربیعی، سکینه (1386). اخلاق خانوادگی؛ صورت های توهین و تحقیر کودکان. مجله طوبی. فروردین 1386، شماره 16. <https://noo.rs/NnY8i>
- 9- زارع، فرزانه (1403). تربیت فرزند از نگاه قرآن و روانشناسی. همایش ملی علوم انسانی با رویکرد نوین اولین همایش ملی علوم انسانی با رویکرد نوین.
- 10- سادات، محمد علی (1372). رفتار والدین با فرزندان. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- 11- سعیدی، مژگان؛ سعیدی، مژده؛ بارانی پور، سیمین؛ مهدی، ریحانه (1403). «بررسی راهکارهایی برای رسیدن به هدف خلقت در تربیت کودکان». کنفرانس یافته های نوین در مدیریت، روانشناسی و حسابداری.
- 12- صلواتی، ایوب (1402). بررسی شیوه های فرزندپروری در مقطع کودکی و نوجوانی از دیدگاه اسلام. مجله پژوهش و مطالعات علوم اسلامی مرداد 1402، سال پنجم - شماره 49.
- 13- عمید، حسن (1353). فرهنگ عمید. تهران: انتشارات جاویدان.
- 14- _____ (1364). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
- 15- قریب، محمد (1360)، واژه نامه نوین، تهران: انتشارات بنیاد.
- 16- کلینی، محمد بن یعقوب (1363). الکافی. مصحح: غفاری، علی اکبر؛ آخوندی، محمد. تهران: دار الکتب الإسلامیه.

- 17- مطهری، مرتضی (1368). تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
- 18- معین الاسلام، مریم (1382). مادری، شایستگی ها و بایسته های آن «قسمت دوم». مجله پیام زن. دی 1382، شماره 142. <https://noo.rs/V4QYL>
- 19- ملک محمودی، امیر (1390). راهنمای خانواده: راز شاد زیستن و خوشبختی در کانون گرم خانواده. قم: منشور وحی.
- 20- نصیری، علی (1382). مقاله «اختلاف». قم: بوستان کتاب، دائرة المعارف قرآن کریم، ج 2، صص 333-345.
- 21- نیکو حرف ماهر، جواد (1392). نقش والدین در تربیت دینی فرزندان. نشریه پیوند، شماره 41، صص 34-31.

منابع انگلیسی:

- 1- Taiane C. S. Lins, Nilton C. Anjos, Patrícia Alvarenga EFFECTS OF AN INTERVENTION FOCUSED ON CHILD EMOTION SOCIALIZATION, *Psicologia: Teoria e Prática*, vol. 25, no. 3, ePTPHD15287, 2023, Universidade Presbiteriana Mackenzie.
https://www.redalyc.org/journal/1938/193875582012/html/?utm_source=chatgpt.com
- 2- Gordon T. Harold, Ruth Sellers. Annual Research Review: Interparental conflict and youth psychopathology: an evidence review and practice focused update. *Journal of Child Psychology and Psychiatry*. Volume 59, Issue 4: Annual Research Review: Reimagining the environment in developmental psychopathology: from molecules to effective treatments. Apr 2018. Pages 374-402.
https://acamh.onlinelibrary.wiley.com/doi/full/10.1111/jcpp.12893?utm_source=chatgpt.com